



آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: از همه کسانی که در مقابله با سیاست‌های تفرقه‌افکنانه آمریکا ایستادگی می‌کنند حمایت می‌کنیم؛ با همه کسانی که این تفرقه‌افکنی را به وجود می‌آورند طرفیم و مقابلیم. ما تشیعی را که مرکز و پایگاه تبلیغاتی لندن است قبول نداریم؛ این تشیعی نیست که ائمه‌علیه‌السلام آن را ترویج کردند و آن را خواستند. تشیع مظهر تام اسلام ناب است، مظهر قرآن است. ما از کسانی که کمک به وحدت می‌کنند حمایت می‌کنیم، با کسانی که ضد وحدت عمل می‌کنند مخالفت می‌کنیم، از همه مظلومان دفاع می‌کنیم

گفت‌وگو با دکتر احمد مبلغی، پژوهشگر تقریب مذاهب اسلامی به مناسبت هفته وحدت

# وحدت استراتژی است نه تاکتیک



باید دوست، فعال در تعامل و تشکیل دهنده یک جنبه واحد باشیم و در برابر کسانی که اسلام را نمی‌خواهند و خواهان عزت اسلامی نیستند، بایستیم تا عزت اسلامی، بازار مشترک اسلامی، ارتباط‌های فعال، پویا و هویت‌بخش و اقتداربخش بارور شوند.

یک مسأله مهم خطر سراز به نظر می‌رسد؛ اینکه هر دو طرف بر این باورند که اختلافات انقدر عمیقند که باید سرپوش بگذاریم ولی این تصور غلط است در کنار اختلافات نقاط اشتراک هم کم نیستند. در حقیقت این اختلافات جنبه علمی دارند؛ از طرح اختلافات علمی نباید بپراسیم. ما می‌توانیم تمرین کنیم، ادبیات مناسبی را پیدا کنیم و بر اشتراکات اهتمام ورزیم، از این رو پیشنهاد می‌کنیم که برای مباحث علمی فصل جدیدی باز کنیم؛ به آن فضای زنده‌تری را اختصاص دهیم.

■ **اخیرا رهبر حکیم انقلاب در دیدار مردم سیستان و بلوچستان فرمودند دشمن به دنبال این برندن ۲ عنصر کلیدی وحدت و امنیت در کشور است. این ۲ مفهوم چه ارتباط و نسبتی با هم دارند و برای حفظ این ۲ عنصر چه کارهای ضروری است؟**

ببینید! ما اگر وحدت اسلامی داشته باشیم وحدت ملی را هم داریم و اگر وحدت ملی داشته باشیم امنیت نیز خواهیم داشت. وحدت یکسری موانع دارد که باید این مانع‌ها را برطرف کرد. یک بخش آن را امنیت برطرف می‌کند و اگر امنیت نباشد اختلافات تشدید می‌شود. هرچند خاستگاه این جدایی است. از سوی دیگر اگر وحدت هم باشد دامنه این امنیت گسترش پیدا کرده و در یک قلمرو خاص نخواهد ماند. اگر

وحدت باشد امنیت بیشتر خواهد بود. این ۲ کلیدواژه یعنی «وحدت ملی» و «امنیت ملی» به یکدیگر کمک می‌کنند، زیرا اگر کمک نکنند پروژه‌های وحدت اسلامی نیز انجام نمی‌شود. در جامعه‌ای که امنیت و وحدت نیست جامعه اسلامی دیگر نیز با آن تعامل و تعاون نخواهد داشت. زیرا مسلمانان و با کشورهای دیگر. البته تلاش می‌کنند و اگر امنیت نباشد اختلافات تشدید می‌شود. هرچند خاستگاه این جدایی است. از سوی دیگر اگر وحدت هم باشد دامنه این امنیت گسترش پیدا کرده و در یک قلمرو خاص نخواهد ماند. اگر

وحدت باشد امنیت بیشتر خواهد بود. این ۲ کلیدواژه یعنی «وحدت ملی» و «امنیت ملی» به یکدیگر کمک می‌کنند، زیرا اگر کمک نکنند پروژه‌های وحدت اسلامی نیز انجام نمی‌شود. در جامعه‌ای که امنیت و وحدت نیست جامعه اسلامی دیگر نیز با آن تعامل و تعاون نخواهد داشت. زیرا مسلمانان و با کشورهای دیگر. البته تلاش می‌کنند، به همین جهت باید امنیت بین ۲ جامعه ایجاد شود.

علیه‌السلام که روزانه با تعداد بسیاری سنی سروکار و حتی شاگردان سنی داشت، این ماجرا را مبنای تفرقه گرفت؟ مگر امام صادق علیه‌السلام فرمود به مساجد اینها بروید، در مساجدشان اذان بگویید و پشت سر آنها نماز بخوانید که نماز خواندن پشت سر آنها مانند نماز خواندن پشت پیغمبر است؟ شما اگر برادری دارید که دیدگاهش مخالف شماست، دیگر رابطه عاطفی و برادری و خانوادگی را بر هم می‌زنید و به عنوان یک دشمن به او نگاه می‌کنید؟ ما نباید مباحث اعتقادی‌مان را با تقریب مذاهب و وحدت اسلامی خلط کنیم.

■ **ممنون می‌شوم بفرمایید چه راهکار عملی‌ای برای رسیدن به وحدت پیشنهاد می‌کنید؟**

در این باره به چند شاخص مهم می‌توان اشاره کرد: نخستین شاخص نبود و نداشتن تعصب است؛ معنای تعصب‌زدایی به معنای نداشتن ولاء اهل بیت نیست. البته در کنار ولاء ممکن است گفته شود تبراً مطرح و شاخص است و این تبراً خود تعصب‌ساز است. در پاسخ باید گفت تبراً به معنای قبول نداشتن است، نه دشمنی کردن. ما بر برخی از نظریات و عقاید اهل تسنن مخالف هستیم ولی در عمل دشمنی نمی‌کنیم اگر نه خود امام علی به دشمنی عملی اولی بود. دومین شاخص تعامل بر اساس برادری اسلامی است. امام علی به امت آن زمان که تحت حکومت ایشان بودند، فرمودند: «انما ائمت اخوان علی دین‌الله» انما تأکید و حصر است. شما برادران برپایه دین خدا هستید. «برادران دینی هستید» هم فقط خطاب به شیعیان نبود؛

بیشتر سنی بودند. شاخص سوم نبردن اختلافات علمی به درون یک دایره تنگ‌تر و جلوگیری از آن در سطح مسائل رفتاری سیاسی اجتماعی و اقتصادی است؛ یک جامعه برخورد از تقریب مذاهب اسلامی، مطلوب جامعه‌ای است که اختلافات را نادیده نمی‌گیرد، چون اختلافات هستند ولی اختلافات را به هر معنای نمی‌کشاند، چهارمین شاخص همکاری و انجام و همگرایی است؛ ما

بیشتر سنی بودند. شاخص سوم نبردن اختلافات علمی به درون یک دایره تنگ‌تر و جلوگیری از آن در سطح مسائل رفتاری سیاسی اجتماعی و اقتصادی است؛ یک جامعه برخورد از تقریب مذاهب اسلامی، مطلوب جامعه‌ای است که اختلافات را نادیده نمی‌گیرد، چون اختلافات هستند ولی اختلافات را به هر معنای نمی‌کشاند، چهارمین شاخص همکاری و انجام و همگرایی است؛ ما

■ **پس وحدت به معنای یکی شدن عقیدتی نیست، به معنای یکی شدن اجتماعی، سیاسی و عاطفی است. بلکه قطعاً. اتفاقاً بنده معتقدم که باید درباره مسائل مختلف گفت‌وگو کرد، البته با حفظ احترام یکدیگر و در عین دوستی و با رعایت شرایط لازم. گفت‌وگو می‌کنیم. محل گفت‌وگو هم در کوچ و بازار نیست، در یک فضای آرام و علمی است. سنی دلایل خودش را می‌آورد، ما هم دلایل خودمان را. یکی از ما قانع می‌شود، یا هیچ کدام قانع نمی‌شویم یا اینکه هر دو بخشی از حرف‌هایمان را تعدیل می‌کنیم. البته این باز به معنای این نیست که سنی و شیعه استدلال‌شان را به صورت منطقی و بدون توهین در کتاب‌شان نیابند. بلکه می‌توانند دلایل‌شان را در کتاب‌هایی مستدل و بدون توهین و بدون اینکه وحدت اسلامی را زیر پا بگذارند، بگویند؛ ولو یک‌طرفه باشد. جریان شیعه‌سازی و جریان سنی‌سازی اشتباه است.**

■ **جناب مبلغی! مایلم اشاره‌ای هم به مسأله شهادت حضرت زهرا(س) داشته باشیم که برخی جریان‌های این بخش از تاریخ اسلام را دست‌انویز تندترین حملات علیه وحدت شیعه و سنی می‌کنند. نظر شما در این باره چیست؟**

اول اینکه ما امروز با اتباع صدر اسلام و خلفا مواجهیم، نه خود آنها. دوم اینکه این اتباع جزء امت پیغمبرند. سوم امت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باید وحدت داشته باشند. چهارم اینکه خود امیرالمؤمنین علیه‌السلام بعد از ماجرای شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها درست است که منزوی از خلافت بود اما به این معنا منزوی از خلافت نبود که در دوره استقرار خلافت هیچ تعاملی با مردم نداشته باشد، مشاوره‌ای ندهد، مسجد نرود یا در میان اصحاب نباشد. پنجم ما نمی‌توانیم زمینه تفرقه را در امت اسلامی ایجاد کنیم، چون به فرموده امیرالمؤمنین علیه‌السلام، تفرقه اساس هر شری است و ششم اعتقاد اکثریت اتباع خلفا این است که خلفا در خدمت اسلام بوده‌اند و در نتیجه به آنها حب دینی دارند و با شنیدن نام آنها گریه می‌کنند.

وقتی امامان ما شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را اسباب تفرقه نکردند، چه معنایی دارد ما این بحث را در جهت ایجاد تفرقه علم کنیم؟ برای مثال آیا امام صادق علیه‌السلام، تفرقه‌افکنانه آمریکا ایستادگی می‌کنند حمایت می‌کنیم؛ با همه کسانی که این تفرقه‌افکنی را به وجود می‌آورند طرفیم و مقابلیم. ما تشیعی را که مرکز و پایگاه تبلیغاتی لندن است قبول نداریم؛ این تشیعی نیست که ائمه‌علیه‌السلام آن را ترویج کردند و آن را خواستند. تشیع مظهر تام اسلام ناب است، مظهر قرآن است. ما از کسانی که کمک به وحدت می‌کنند حمایت می‌کنیم، با کسانی که ضد وحدت عمل می‌کنند مخالفت می‌کنیم، از همه مظلومان دفاع می‌کنیم

حالا وحدت یعنی چه؟ مراد از وحدت قطعاً وحدت مذهبی نیست؛ یعنی اینکه این به مذهب آن دربیاید، آن به مذهب این دربیاید، یک مذهب نباشد؛ نه، این قطعاً مراد نیست. وحدت جغرافیایی هم نیست؛ مثل آن چیزی که در دهه‌های ۶۰ میلادی و ۷۰ میلادی، بعضی از کشورهای عربی با هم اتحاد پیدا کردند و اعلام کردند یکی هستند، که نشد و نمی‌شود و امکان ندارد؛ مراد این هم نیست. مراد از وحدت، وحدت در حفظ منافع امت اسلامی است. اول تشخیص بدهیم منافع امت اسلامی کجاست، در چیست، بعد در این زمینه ملت‌ها با هم توافق کنند. دولت‌ها هم اگر چنانچه ان‌شاء‌الله به این راه هدایت شوند، خدا دل‌های‌شان را به این سمت بکشاند، در جهت منافع امت اسلامی توافق کنند؛ ببینند امت اسلامی امروز به چه احتیاج دارد، با چه کسی باید دشمنی کرد، با چه کسی باید چه جوری دشمنی کرد، با چه کسی باید دوستی کرد و چگونه دوستی کرد؛ این جهت‌گیری‌ها را در ضمن گفت‌وگوها و مذاکرات، به توافق برسد و در این جهت حرکت کنند. مراد این است؛ اشتراک عمل در برابر نقشه‌های استکبار.

بلاشک دنیای استکبار درباره این منطقه ما و کشورهای ما نقشه‌های اضعفی دارد. این منطقه اسلامی، فرصت ظنیمی است؛ منطقه ما اگر نتوانیم حساس‌ترین، یکی از حساس‌ترین مناطق دنیا است؛ اگر نتوانیم غنی‌ترین، یکی از غنی‌ترین مناطق دنیا این منطقه ما است؛ منطقه میانه آسیا و غرب آسیا و شمال آفریقا که منطقه اسلامی است؛ منطقه بسیار مهمی

هفته وحدت، نه یک شعار زیبا و تزئینی، بلکه یک استراتژی مهم دینی و ملی است. مناسفانه بی‌توجهی به اهمیت این موضوع هم در کوتاهمدت و هم در بلندمدت به توسعه، پیشرفت و امنیت کشور لطمه خواهد زد و به همین دلیل نیاز است تا همه دلسوزان اعتدالی اسلام و ایران اهتمام ویژه‌ای به این موضوع اختصاص دهند. در همین راستا در گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام دکتر احمد مبلغی به بررسی زوایای امر وحدت فرق اسلامی پرداختیم. حجت‌الاسلام احمد مبلغی، موسس و رئیس مرکز پژوهش‌های دینی تطبیقی التجدید در لبنان است که سال‌هاست مسأله وحدت، مهم‌ترین پروژه فکری ایشان است.

مرکز خلافت را در کوفه قرار دادند، عده‌ای از مردم در ماه رمضان خدمت امام آمدند و گفتند امامی برای ما تعیین کنید تا ما صلاه‌التراویح بخوانیم. این در حالی است که از دیدگاه شیعه صلاه‌التراویح بدعت است. در نتیجه امام فرمودند این کار را نکنید اما آنها قبول نکردند و خودشان امامی را تعیین کردند. امام حسن علیه‌السلام رفت تا آنها را قانع کند که از این کار صرف‌نظر کنند اما قبول نکردند و در آخر امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود آنها را رها کنید. آنها صلاه‌التراویح را خواندند، سال بعد هم خواندند، در عین حال در جنگ‌ها در کنار حضرت حضور داشتند. حضرت هیچ‌گاه خط‌کش مذهبی در جامعه نمی‌گذاشتند که سنی‌ها را در حاشیه و شیعه‌های اعتقادی - عثمانی‌ها شیعه سیاسی بودند - را در جایگاه برتری قرار دهند. البته ایشان شیعیان اعتقادی خودشان را از نظر فکری درست می‌دانستند اما بحث ما در اعتقاد نیست، بحث ما در سلوک است.

برای مثال کدام یک از جنگ‌های آن زمان، جنگ بین مذاهب بود؟ امیرالمؤمنین علیه‌السلام رو به همه جامعه فرمودند: «انما ائمت اخوان علی دین الله، ما فرق بینکم الا حبت الشرائر؛ همانا شما برادران دینی یکدیگرید؛ چیزی جز درون پلید و نیت زشت، شما را از یکدیگر جدا نساخته است». ایشان فرمودند ما فرق بینکم الا المذاهب. بلکه فرمودند هوا و هوس عده‌ای مانند معاویه است که شما را از هم جدا کرده، بیابید وحدت داشته باشید.

زمانی که بحث شیعه و سنی مطرح می‌شود، ما بر اساس یک ذهنیت اشتباه می‌خواهیم ثابت کنیم که کدام برحق است اما مسأله اینجاست که این برحق بودن، یک امر علمی و اعتقادی است و ربطی به تقریب مذاهب ندارد. من هم می‌گویم صرفاً یکی از مذاهب برحق است و چون خود شیعه هستیم، معتقدیم شیعه برحق است؛ کما اینکه عالم اهل سنت هم معتقد است خودش برحق است. پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هم فرموده امت من ۷۲ فرقه خواهند بود. یک فرقه‌شان برحق است اما آیا این نکته به این معناست که ما همه تعاملات را به عنوان امت واحد پیغمبر کنار بگذاریم و بگوییم

چون یکی حق است پس جنگ تا بجنبیم؟ این از کجای اسلام آمده؟ آیا زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام اینطور بوده؟ حالا اگر طرف مقابل خواست، بیاییم گفت‌وگو کنیم، نه اینکه به اجبار رو بیاوریم. یک اعتقاد اشتباه در میان برخی از وهابیسون و برخی اهل سنت و نیز برخی شیعیان وجود دارد که می‌گویند وحدت اسلامی به معنای وحدت برحق است. پس می‌گویند حق هم ما هستیم، پس دیگران باید از اعتقادات‌شان به خاطر وحدت دست بردارند، در حالی که وحدت اسلامی یعنی وحدت امت اسلامی. اگر کسی مذهب خودش را در مقابل مذهب دیگری برحق می‌بیند، نباید جامعه را آشفته کند، بلکه باید برادرانه بحث کند. به هر حال درست است که در حال حاضر شیعه و سنی در ایران رابطه خوبی دارند اما در کل هنوز امت واحده اسلامی را ایجاد نکرده‌ایم.

وحدت دست بردارند، در حالی که وحدت اسلامی یعنی وحدت امت اسلامی. اگر کسی مذهب خودش را در مقابل مذهب دیگری برحق می‌بیند، نباید جامعه را آشفته کند، بلکه باید برادرانه بحث کند. به هر حال درست است که در حال حاضر شیعه و سنی در ایران رابطه خوبی دارند اما در کل هنوز امت واحده اسلامی را ایجاد نکرده‌ایم.



■ **جناب آقای دکتر مبلغی! به نظر این گفت‌وگو را از تعریف «وحدت» شروع کنیم. به نظر شما وحدت شیعه و سنی به چه معناست؟ چون عده‌ای وحدت را با نادیده گرفتن مرزهای اعتقادی تفسیر می‌کنند و بعد با همین تفسیر، علیه وحدت سخن می‌گویند. آن وحدتی که مطلوب اسلام و آرمان انقلاب اسلامی است، کدام تعریف از وحدت است؟**

ابتدا باید مقدمه‌ای عرض کنم و بعد از آن وارد پاسخ به سوال شما شوم. ببینید! تقریب و وحدت باید در ۳ حوزه انجام شود: علم، اخلاق و عمل؛ یعنی تقریب علمی، تقریب اخلاقی و تقریب عملی. تقریب عملی، مسائلی مانند سیاست، اقتصاد و ایجاد اتحادیه‌های امت اسلامی و همگرایی‌های سیاسی را شامل می‌شود. تقریب اخلاقی هم به این معناست که تعصبات، فحش و ناسزا و نگاه‌های سوءظن‌محور به دیگران را حذف کنیم تا یک امت واحد داشته باشیم اما تقریب علمی به این معنا نیست که حرف‌هایمان یکی شود، چون حتی حرف‌های ۲ مرجع تقلید شیعه هم کاملاً یکسان نیست و این نکته کاملاً طبیعی است. ما باید برای تقریب علمی، مشترکات یکدیگر را که بسیار زیاد است شناسایی و برجسته کنیم و اختلافات را با یک قالب علمی مقارن و تطبیقی کنار هم بگذاریم و بحث کنیم و تجربه‌های یکدیگر را برای حل مشکلات جامعه اسلامی به کار

بگیریم. عقب‌نشینی از عقاید، برای تقریب مذاهب مضر است؛ تصور برخی بر این است که راه تقریب از اختلافی برخی اعتقادات یا عقب‌نشینی از آنها می‌گذرد، در حالی که هر چه انسان اعتقادات مذهبی‌اش را برجسته‌تر مطرح کند، تقریب مذاهب فرصت بیشتر و بهتری برای ظهور پیدا می‌کند. عقب‌نشینی از اعتقادات نه تنها ظرفیتی ندارد، بلکه برای تقریب مضر است. البته منظور، اعتقادات مسلم است، نه انگاشته‌هایی که تصور می‌کنیم اعتقادند. برای مثال شیعه به امامت و خلافت بلافضل معتقد است و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را خلیفه برحق می‌داند، در حالی که سنی معتقد است امامتی در کار نیست. شیعه و سنی باید اعتقادات علمی‌شان را با تمام قوا حفظ کنند و در عین حال وحدت داشته باشند. به عنوان مثال در جامعه کوفی، بخشی شیعه بودند و بخشی سنی عثمانی. وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام

عقب‌نشینی از عقاید، برای تقریب مذاهب مضر است؛ تصور برخی بر این است که راه تقریب از اختلافی برخی اعتقادات یا عقب‌نشینی از آنها می‌گذرد، در حالی که هر چه انسان اعتقادات مذهبی‌اش را برجسته‌تر مطرح کند، تقریب مذاهب فرصت بیشتر و بهتری برای ظهور پیدا می‌کند. عقب‌نشینی از اعتقادات نه تنها ظرفیتی ندارد، بلکه برای تقریب مضر است. البته منظور، اعتقادات مسلم است، نه انگاشته‌هایی که تصور می‌کنیم اعتقادند. برای مثال شیعه به امامت و خلافت بلافضل معتقد است و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را خلیفه برحق می‌داند، در حالی که سنی معتقد است امامتی در کار نیست. شیعه و سنی باید اعتقادات علمی‌شان را با تمام قوا حفظ کنند و در عین حال وحدت داشته باشند. به عنوان مثال در جامعه کوفی، بخشی شیعه بودند و بخشی سنی عثمانی. وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام

گزینهای از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای درباره مسأله وحدت

## وحدت، ایمان قلبی نظام اسلامی است

می‌آورند طرفیم و مقابلیم. ما تشیعی را که مرکز و پایگاه تبلیغاتی لندن است قبول نداریم؛ این تشیعی نیست که ائمه‌علیه‌السلام آن را ترویج کردند و آن را خواستند؛ تشیعی که بر پایه ایجاد اختلاف، تمهید و صاف کردن جاده برای حضور دشمن‌های اسلام است، این تشیع، تشیع نیست؛ این انحراف است. تشیع مظهر تام اسلام ناب است، مظهر قرآن است. ما از کسانی که کمک به وحدت می‌کنند حمایت می‌کنیم، با کسانی که ضد وحدت عمل می‌کنند مخالفت می‌کنیم، از همه مظلومان دفاع می‌کنیم.

■ **وحدت، مصلحت آینده کشور**  
امروز بحمدالله ملت ایران این بصیرت، این آگاهی، این معرفت والا را یافته است که بداند مصلحت آینده کشور بستگی دارد به اتحاد اسلامی با ملت‌های مسلمان و با کشورهای دیگر. البته تلاش می‌کنند کسان، کوشش می‌کنند، سعی می‌کنند، اختلال ایجاد کنند، بدبینی ایجاد کنند، وسوسه بکنند لکن بحمدالله این را ملت ما امروز فهمیده است. این فریاد امام بزرگوار ما - از قبل از پیروزی انقلاب، بعد هم از آغاز تشکیل نظام اسلامی به مسأله وحدت - کار خود را کرد، مردم ما آگاه شدند؛ این وظیفه همه است. امروز باید همه مسلمانان در اقصی نقاط عالم، به امت اسلامی ببینند، به وحدت اسلامی ببینند؛ اگر ما به امت اسلامی فکر کردیم، منافع کشورهایمان هم تأمین خواهد شد. مصلحت دشمن این است که ما را از هم جدا کند، به یک کشور حمله کند، از کشور دیگری یاریگیری کند؛ مصلحت دشمن در این است، ما نباید بگذاریم.

است. استکبار و قدرت‌های پشت پرده سیاست‌های استکباری یعنی کمپانی‌ها و کارتل‌ها و تراست‌های بین‌المللی، برای این منطقه نقشه دارند. اشتراک عمل داشته باشیم در مقابله با نقشه‌های آنها؛ این معنای وحدت است. ما این را پیشنهاد کردیم به دنیای اسلام، و این را از دنیای اسلام خواستیم.

■ **هفته وحدت تزئینی نیست**  
ما در جمهوری اسلامی این هفته را، یعنی از دوازدهم تا هفدهم، از ربع‌الاول را، به عنوان هفته وحدت نامگذاری کرده‌ایم. این یک نامگذاری محض نیست، یک حرکت سیاسی و تاکتیکی هم نیست؛ این یک اعتقاد و ایمان قلبی است. جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه معتقد به لزوم اتحاد امت اسلامی است. این [کار] سابقه هم دارد؛ یعنی مخصوص زمان ما و دوران جمهوری اسلامی نیست. مرجع بزرگی مثل مرحوم آیت‌الله بروجردی که مرجع کل دنیای شیعه در زمان جوانی ما بود، طرفدار جدی وحدت اسلامی بودند، طرفدار جدی تقریب مذاهب اسلامی بودند؛ با بزرگان علمای دنیای اسلام و اهل سنت مراد داشتند، گفت‌وگو داشتند؛ این یک اعتقاد است، یک اعتقاد قلبی و عمیق است. بعضی‌ها تصور می‌کنند یا وانمود می‌کنند که این یک تاکتیک سیاسی است؛ نه، این جور نیست؛ این یک ایمان قلبی است؛ معتقدیم به این و معتقدیم که خدای متعال این را از ما خواسته است.

■ **با تشیع لندن‌نشین مخالفیم**  
از همه کسانی که در مقابله با سیاست‌های تفرقه‌افکنانه آمریکا ایستادگی می‌کنند حمایت می‌کنیم؛ با همه کسانی که این تفرقه‌افکنی را به وجود



■ **تفرقه، عامل رنج‌های امت اسلامی**  
این رنج‌های امت اسلامی در زمان کنونی ناشی از چیست؟ چسرا ملت‌های مسلمان این قدر از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فشارهای سیاسی، از لحاظ ایجاد جنگ و جنگ‌های داخلی و تسلط و تصرف و استعمار و استعمار نو و امثال اینها دچار رنجند؟ علت این رنج کشیدن و در موضع رنج کشیدن قرار داشتن مسلمان‌ها چیست؟ علت فراوانی دارد، علت‌های متعددی دارد. عقب‌ماندگی علمی یکی از علل آن است؛ تن دادن به

تسلط استعمارگران یکی از علل آن است. علل متعددی دارد که حالا در این زمینه افرادی که اهل سیاستند، اهل تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی و مانند اینها هستند در این زمینه‌ها کار کرده‌اند، هزاران مقاله نوشته شده، لکن یکی از عوامل که شاید مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین عوامل باشد، تفرق مسلمین است. ما قدر خودمان را نمی‌دانیم، قدر یکدیگر را نمی‌دانیم؛ اشکال بزرگ کار ما این است؛ از هم جدایی، متفرقیم.